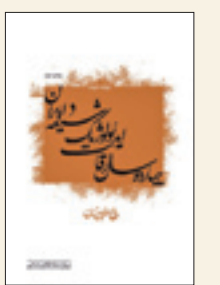


پیش‌خواران

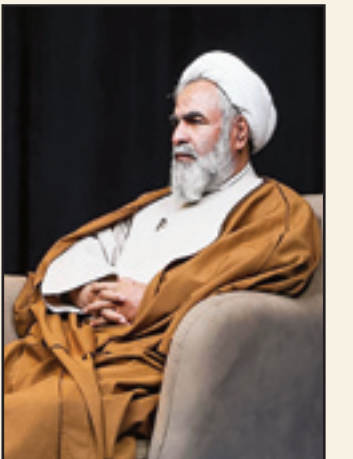
«**۱۴ سال رقابت ایدئولوژیک شیعه در ایران**» در آیینه یک پژوهش مبسوط

شیعیان مبارز، چگونه از سایر گروه‌ها پیش افتادند؟

■ **محمد رضا کائینی**



ز ن ده یــــاد حجت الا سلام والمسلمین روح‌الله حسینیان رئیس فقید مرکز اسناد انقلاب اسلامی، در طول حیات پژوهشی خویش مجموعه‌ای کلان درباره تاریخ معاصر ایران به رشته تحریر برده‌اثر. اثری که هم اینک در معرفی آن سخن می‌رود، یکی از آنهاست. «۱۴سال رقابت ایدئولوژیک شیعه در ایران» می‌کوشد تا علل تفوق وجه دینی و شیعی انقلاب اسلامی را مورد بازکاوی قرار دهد. مؤلف بر دیباجه خود بر این کتاب به این مهم اشارت برده است: «مام‌خمینی نهضتی را در سال ۱۳۳۱ آغاز کرد که در سال ۱۳۵۷ به اوج خود رسید و به یک انقلاب تمام عیار تبدیل شد. چه عملی موجب شد که مردم ایران در سال ۱۳۵۷ از همه اقشار جامعه به ندای امام‌خمینی پاسخ گفتند و یکپارچه شعار استقلال، آزادی، جمهوری اسلامی را فریاد کردند؟ این کتاب درصدد اثبات این فرضیه است که فساد و ناکار آمدی نظام‌های سیاسی، موجب ظهور ایدئولوژی‌های رقیب می‌شود و هر ایدئولوژی که توانمندتر باشد، در این رقابت پیشی می‌گیرد. بعد از سرکوب قیام ۱۵خرداد، ایدئولوژی‌های راست‌گرایانه و چپ‌گرایانه و اسلام محور، ضمن اینکه رژیم شاه را به چالش می‌خواندند با یکدیگر نیز رقابت می‌کردند. در این میان ایدئولوژی اسلام‌محور، توانست ایدئولوژی‌های رقیب را بایکوت و ایدئولوژی شاهنشاهی را از چرخه رقابت خارج کند. علت این پیروزی را در شخصیت و جایگاه امام‌خمینی به‌عننوان ایدئولوگ، رهبر و معمار انقلاب و امامت شیعی، مرجعیت روحانیت



✔حجت‌الاسلام والمسلمین روح‌الله حسینیان

و ایدئولوژی اسلام شیعی و پشتوانه‌های فرهنگی و تاریخی آن باید جست‌وجو کرد…»

رسیدن به آمار ی تقریبی از تعداد شهدا و مجروحان روحانیت در نهضت اسلامی از دغدغه‌های مؤلف در اثر فوق آمده، قلمداد می‌شود. مرحوم حسینیان گرچه معتقد است در این باره آمار دقیق وجود ندارد ولی با پاره‌ای اسناد می‌توان به آمار ی تقریبی دست یافت: «از مجروحان و شهدای روحانیت در انقلاب، آمار ی دقیق در دست نیست. نه رژیم پهلوی انگیز-های برای ثبت آمار آنها داشته و نه روحانیت تشکیلاتی برای ثبت آنها داشتند. از طرف دیگر خود مجروحان یا خانواده شهدا به علت مسائل امنیتی و اختناق رژیم، از مراجعه به سازمان‌های دولتی و حتی بیمارستان‌ها خودداری می‌کردند. با این همه در بعضی مدارک و حوادث، آمار ی تقریبی ذکر شده است. در اولین جمله

رژیم به مدرسه فضییه در دوم فروردین ۱۳۴۲، آیت‌الله مرعشی نجفی ضمن صدور بیانیه‌ای، تعداد مجروحان را چنین آمار می‌دهد: گرچه آمار دقیقی از تلفات این واقعه جانگداز در دست نیست، اما آنچه مسلم است عده زیادی از طلاب و محصلین علوم دینی مجروح و مفقودالآثر هستند که تعداد ۹۵ نفر از مصدومان طبق آمار صحیح در دفتر جداگانه دفتر ضبط و ثبت داشته‌اند، به اینجانب می‌باشند… اگر واقعه مدرسه طالبیه تبریز، واقعه ۱۵ خرداد، تظاهرات ۲۰ دی ۱۳۵۰، حساسه ۱۷خرداد ۱۳۵۴ و قیام ۱۹ دی ۱۳۵۶ نیز به همین اندازه مجروح باشد، آمار افزایش خواهد یافت. با این توضیح که اگر در واقعه ۲۰ دی ۱۳۵۰ آمار مجروحان کم بوده، ولی واقعه ۱۷ خرداد ۱۳۵۴ نزدیک به ۲۵۰نفر مجروح داشته است. طبق گزارش شهدای عینی، تمام دستگیر شدگان در حین در گیری با بعد از آن چنان مورد ضرب قرار گرفتند که بدون استننا همگی خون آلود بودند. در مورد شهدای روحانی نیز آمار ی وجود ندارد، ولی می‌توان اسیامی چند تن از آنان را از منابع مختلف استخراج کرد…»



وقتی انگلستان با شکست در قرارداد۱۹۱۹، مصمم به برکشیدن رضاخان شد

پول پاشی در میان رجال ایران برای امضای «تحت‌الحمایگی»

■ **احمد رضا صدری**

سالروز انعقاد قرارداد ۱۹۱۹ میان حسن و ثوق معروف به وثوق الدوله و سر برسی کاکس نماینده انگلستان، فرصتی مغتنم است تا در سیاب آثار و پیامدهای شکست این ترفند سخن رود. به واقع حساسیت رجال دینی و ملی ایران، موجب گشت که انگلیسی‌ها پس از ناکامی در تحقق این معاهده، شیوه سخت را در پیش گیرند و به تحمیل یک دیکتاتور نظامی به کشور مان بیند یشتند و نهایتاً آن را عملی سازند. این امر ی آشور ت کاملاً زمینه‌ها و موجبات برکشیدن رضاخان، همواره باید آن را در نظر داشت. در مقال یی آمده‌ام‌هیبت قرارداد ۱۹۱۹، راه‌های طی شده برای رسمیت‌دادن بدان و نهایتاً شکست این پروژه، مورد باز خوانی و تحلیل قرار گرفته است. مستندات این پژوهش، بر تارنمای پژوهشگاه مطالعات تاریخ معاصر ایران قرار دارد. امید آنکه مفید و مقبول آید.

■ **آغاز و انجام طرح‌ی برای «تحت‌الحمایگی»** ماجرای انعقاد قرارداد ۱۹۱۹ که نهایتاً به شکست انجامید، از فرازهای عبرت‌آموز تاریخ معاصر قلمداد می‌شود. این رویداد نشان می‌دهد که دول استعماری اگر با مقاومتی جدی و قاطع مواجه شوند، به عقب‌نشینی می‌پردازند و اگر با مانعی درخور مواجه نشوند با سرعت و قدرت به پیش خواهند آمد و تمامی شئون مادی و معنوی کشورمان را در اختیار و خدمت خویش خواهند گرفت. سیدمرتضی حسینی پژوهشگر تاریخ معاصر ایران، این مقوله را اینگونه روایت می‌کند: «انگلستان در جنگ جهانی اول، از حیث نظامی و اقتصادی خسارات فراوانی را متحمل شد. یکی از پیامدهای این وضعیت، کاهش چشمگیر نیروهای نظامی انگلستان در ایران بود. مقامات این کشور شده بودند و از سوی دیگر نمی‌توانستند تهدید بالقوه انقلابیون تازه به قدرت‌رسیده بلشویک را در روسیه هم نادیده بگیرند. تهدیدی که بررغم آنها علاوه بر منافع انگلستان در ایران، نیم‌نگاهی نیز به هندوستان داشت. در چنین شرایطی بود که هرمن نورمن وزیر مختار انگلستان در تهران، در گزارش ارسالی خود به وزیر امور خارجه دولت متبوعش متذکر شد که اوضاع یی ثبات ایران پس از تخلیه قسوا ی انگلیس، می‌تواند به یک انقلاب جمهوری خواهانه منجر شود. پس از نامیدی انگلیسی‌ها از تصویب و اجرای قرارداد ۱۹۱۹ م، این بار کودتای نظامی و روی کار آمدن یک دولت مقتدر نظامی در دستور کار سیاست خارجی انگلستان قرار گرفت. بی‌ثباتی سیاسی و اقتصادی باعث شده بود که افکار عمومی و نخبگان نیز از استقرار دولتی که بتواند کشور را از ورطه نابودی نجات دهد، استقبال کنند. دولت انگلستان برای اینکه خروج نیروهایش از ایران، عوارضی برای منافع این کشور نداشته باشد، به ژنرال ادموند آیرونساید مأموریت داد تا به ایران برود و با کمترین هزینه و خطر ممکن آن اوضاع آشفته را مدیریت کند. آیرونساید پس از بررسی اوضاع نیروهای نظامی ایران، گزارش کاملی تهیه و در آن عنوان کرد که باید فرد مقتدری با حمایت نامحسوس لندن، زمام امور را در دست بگیرد…»

■ **طرد کرز** و «اندیشه استعمار ایران به شیوه قدیم به هنگام طرح و امضای قرارداد ۱۹۱۹، درباره نحوه نقش آفرینی انگلستان در ایران، دو اندیشه متفاوت در هیئت حاکمه این کشور وجود داشت. راهکار نخست از سوی چهره‌هایی چون لرد کرز ارائه می‌شد که همان

تاریخ

تاریخ ۸۸۴۹۸۴۳۷



حسن وثوق در میان علیقلی آصفاری وزیر چه و کوزیل بانکوفسکی وزیر مختار روسیه در ایران

از مهم‌ترین فرازهای تاریخچه قرارداد ۱۹۱۹، پول پاشی‌های دولت انگلستان در میان رجال سیاسی ایران است. سوگمندها نه باید اذعان داشت علاوه بر وثوق الدوله که در این ماجرا قلم‌های درشتی از انگلستان دریافت کرد، بسیاری از سیاستمداران ایرانی نیز به رشوه این قرارداد آلوده شدند! هر چند این پدیده در عرصه سیاسی آن روز کشور غریب نمی‌نمود، اما باید قبول کرد که حجم گسترده آن در این قرارداد رکورد جدیدی را به ثبت رساندا

ساخته است، مصلحت شخص خود را در این ترتیب می‌پندارند، باقی هم که خوانند…! این قرارداد با مخالفت افکار عمومی و دولت‌های خارجی روبه‌رو شد و دولت انگلیس در روی کار آوردن دولتی که بتواند این قرارداد را به تصویب رساند، ناکام ماند. زمینه سرنگونی پژوهشگر تاریخ سیاسی ۱۹۱۹ ایران ـ انگلستان را موضوعی تمام شده دانست و در ادامه توجه خود را به جست‌جوی فرد نظامی مقتدر برای برون‌رفت از این وضعیت و حفظ منافع انگلیس در ایران، بدون توجه به پایه‌های مشروعیت معطوف کرد…»

■ **وثوق الدوله، در یافت رشوه‌های با بی‌رسید و باقی قضایا**

از مهم‌ترین فرازهای قرارداد ۱۹۱۹، پول پاشی‌های دولت انگلستان در میان رجال سیاسی ایران است. سوگمندها باید اذعان داشت علاوه بر وثوق الدوله که در این ماجرا قلم‌های درشتی از انگلستان دریافت کرد، بسیاری از سیاستمداران ایرانی نیز به رشوه این قرارداد آلوده شدند! هر چند این پدیده در عرصه سیاسی آن روز غریب نبود، اما باید قبول کرد که حجم آن در این قرارداد، رکورد جدیدی را به ثبت رساندا! رهرا سعیدی پژوهشگر تاریخ سیاسی ایران، در این باره معتقد است:

«قرارداد ۱۹۱۹ میان وثوق الدوله نماینده ایران و صدراعظم احمدشاه قاجار و سر برسی کاکس نماینده دولت انگلیس در سال ۱۳۱۹ ش (۱۹۱۹ م) و به صورت کاملاً پنهانی منعقد شد. این قرارداد ماهیتی ضدملی داشته و با اصل تمامیت ارضی ایران در تناقض بود، زیرا طبق بخشی از قرارداد، تمام امور لشکر ی و نظامی کشور تحت اداره مستشاران نظامی انگلستان قرار می‌گرفت. طرف‌های ایرانی درگیر در این قرارداد از جمله وثوق الدوله و صارم الدوله با دریافت رشوه، به مخالفت دولت انگلیس در این امر پرداختند. این امر موجب شد تا انگلیس در این قرارداد، تمام امور لشکر ی و نظامی کشور تحت اداره مستشاران نظامی انگلستان قرار می‌گرفت. طرف‌های ایرانی درگیر در این قرارداد از جمله وثوق الدوله و صارم الدوله با دریافت رشوه، به مخالفت دولت انگلیس در این امر پرداختند. این امر موجب شد تا انگلیس در این قرارداد، تمام امور لشکر ی و نظامی کشور تحت اداره مستشاران نظامی انگلیس در ایران، در این باره به لرد کرز می‌نویسد: بازدهم اوم ۱۰۱۹۱۹. ۲ هزار تومان و ۱۳ گوست. ۱۹۱۹ م، ۹۰ هزار تومان بانک شاهی به صارم الدوله پرداخت کرده و ۱۹ سپتامبر ۲۰۰ هزار تومان به حساب وثوق الدوله گذاشته، ولی وثوق الدوله رسید ن داده است… هر چند بعدها خود وثوق الدوله تلاش کرد تا اتهام رشوه گرفتن رد کند، اما بسیاری از شواهد برجای مانده در دریافت رشوه دلالت دارند. به گونه‌ای که وی به مناسبت خدمت‌های انجام داده بود، به دریافت نشان از دولت انگلستان نایل شد. همچنین گفته می‌شد که احمد شاه نیز مبلغی رشوه از این باب دریافت کرده بود، اما شواهد برجای مانده دلالت بر این موضوع دارد که وی از همان ابتدا با این قرارداد مخالف بوده و تلاش می‌کرد تا به شکلی آن را لغو کند. بدین ترتیب داستان رشوه و وعده وعیدهای رایج بود که بسیاری از کشورهای خارجی ضمن اظهار تعجب از آن در زمان انعقاد قراردادها ی یکجانبه که در تضاد با منافع ملی کشورمان بود، به سراغ آن می‌رفتند. البته در باب رشوه گرفتن از سوی برخی از رجال سیاسی قاجار و بعداً برخی از پادشاهان آن، باید به این موضوع نیز توجه داشت که وضعیت تا حدی متأثر از سیاست‌های سیاسی مرکزی ـ که جزب در تهران وجود خارجی نداشت ـ در روسیه به بررسی دولت مشروطه افروز، دولت مرکزی ـ که جزب در تهران وجود خارجی نداشت ـ ناتوان و بیماره به حیات خود ادامه می‌داد و تنها نظاره‌گر وقایع بود. در چنین وضعیتی، انقلاب ۱۹۱۷ بلشویک‌ها در روسیه به بررسی دولت مشروطه بلشویکی، تمام امتیازات تزارها را در ایران لغو و اسباب آسودگی ظاهری و مقطعی ایرانیان از همسایه شمالی را فراهم کردند. انگلستان که در جنگ جهانی اول به اهمیت کارآمدی نفت به جای زغال سنگ پی برده بود، با توجه به آنکه مشروعیت در ایران با هرچ‌مروج مترادف شده بود، اندیشه تقمین بلندمدت این طلای سیاه را در سر می‌بروراند. ادامه درگیری‌های داخلی و احتمال افتادن ایران در تلبام تبلیغات بلشویک‌ها و در نتیجه تهدید منافع انگلیس در بی ایجاد وقفه در استخراج نفت ایران، انگلستان را به فکر تثبیت اوضاع اقتصادی سیاسی و در نهایت تقویت دولت مقتدر در ایران با ریاست وثوق الدوله انداخت. این کشور در آغاز برای عملی ساختن این اندیشه، به انعقاد قرارداد ۱۹۱۹ دست زد. محتوای این قرارداد، در ظاهر به پرداخت وام و استفاده از مستشاران انگلیسی برای سازماندهی ارتش و مدیریت دستگاه اداری ایران اختصاص داشت، اما هدف واقعی آنها تبدیل ایران به یک کشور تحت‌الحمایه بود که این دولت در پرداخت رشوه به شاه ایران خست به خرج ندهد. جمع‌بندی‌ها نشان می‌دهد نقشه‌های انگلیس برای ایران می‌گوید ایران نه دولت دارد نه ملت! پیروزی که قدرت دارند و کار از دستشان

بین الملل در دوره عقد قرارداد ۱۹۱۹، همان چیزی است که مورثون کاپلان آن را موازنه قدرت می‌نامد و در آن چند قدرت بزرگ جهان، ضمن رقابت بر سر تصاحب بقیه جهان، به نحوی رفتار می‌کنند که هیچ کدام نتواند بر دیگران تفوق یابد. مخالفت‌های خارجی با قرارداد ۱۹۱۹ ایران وانگلیس را می‌توان در چارچوب این ساختار بررسی کرد. در این زمان جنگ جهانی اول با شکست اتحادملث پایان یافته بود و فاتحین درصدد بودند تا سهم بیشتری از خرمن پیروزی به دست آورند و این مسئله باعث اختلاف عمده بین آنها می‌شد. نخست اختلاف‌نظر بین کشورهای فاتح اروپا و آمریکا که به تازگی وارد سیستم موازنه قدرت شده بودند و دوم اختلاف‌نظر و تضاد منافع بین فرانسه و انگلیس که هر کدام نگران قدرت‌گیری و نفوق دیگری بود. روسیه نیز با اینکه بیشتر درگیر مسائل داخلی خود و انقلاب کمونیستی بود، بتناسیل ابغای نقشی مؤثر در مورد حساسیت‌های بین‌المللی خود را داشت. بدین ترتیب دیگر کشورها نیز موازنه قدرت و فضای رقابتی بین قدرت‌های بزرگی که رهبران جهان آن روز بودند، بدیهی بود که قرارداد استعماری انگلیس که بخشی از دمیون ی سلطه این کشور بر آسیا به شمار می‌رفت، با مخالفت دیگر قدرت‌های موجود در سیستم موازنه قدرت مواجه شد…»

■ **«ادموند آیرونساید» در جست و جوی یک نظامی سر کوبگر**

مخالفت ملت ایران و عموم نخبگان آن و حتی دول خارجی با قرارداد ۱۹۱۹، جناح بلند پرواز حکومت انگلستان را به اندیشه برقراری حکومت اختناق و سرکوب در کشورمان سوق داد. هم از این روی ادموند آیرونساید بدون اطلاع لرد کرز و با بی‌نتیجه قلمداد کردن معاهده وثوق ـ کاکس، درصدد یافتن کسی برآمد که بتواند به نیابت از آن و با خشونت بر این نقطه مهم در خارمیانه حکومت کند. رضا سرحدی پژوهشگر تاریخ ضعف بر ازگان دولت مشروطه افروز، دولت «در خلال جنگ جهانی اول، ایران ناخواسته به میدان جنگ نبره‌های متفقین درآمد. در این موقعیت، نامنی، شورش و یافی‌گری‌های پرآکنده در برخی از نواحی کشور وضعیت تا حدی متأثر از سیاست‌های سیاسی مرکزی ـ که جزب در تهران وجود خارجی نداشت ـ در روسیه به بررسی دولت مشروطه افروز، دولت مرکزی ـ که جزب در تهران وجود خارجی نداشت ـ ناتوان و بیماره به حیات خود ادامه می‌داد و تنها نظاره‌گر وقایع بود. در چنین وضعیتی، انقلاب ۱۹۱۷ بلشویک‌ها در روسیه به بررسی دولت مشروطه بلشویکی، تمام امتیازات تزارها را در ایران لغو و اسباب آسودگی ظاهری و مقطعی ایرانیان از همسایه شمالی را فراهم کردند. انگلستان که در جنگ جهانی اول به اهمیت کارآمدی نفت به جای زغال سنگ پی برده بود، با توجه به آنکه مشروعیت در ایران با هرچ‌مروج مترادف شده بود، اندیشه تقمین بلندمدت این طلای سیاه را در

سر می‌بروراند. ادامه درگیری‌های داخلی و احتمال افتادن ایران در تلبام تبلیغات بلشویک‌ها و در نتیجه تهدید منافع انگلیس در بی ایجاد وقفه در استخراج نفت ایران، انگلستان را به فکر تثبیت اوضاع اقتصادی سیاسی و در نهایت تقویت دولت مقتدر در ایران با ریاست وثوق الدوله انداخت. این کشور در آغاز برای عملی ساختن این اندیشه، به انعقاد قرارداد ۱۹۱۹ دست زد. محتوای این قرارداد، در ظاهر به پرداخت وام و استفاده از مستشاران انگلیسی برای سازماندهی ارتش و مدیریت دستگاه اداری ایران اختصاص داشت، اما هدف واقعی آنها تبدیل ایران به یک کشور تحت‌الحمایه بود که این دولت در پرداخت رشوه به شاه ایران خست به خرج ندهد. جمع‌بندی‌ها نشان می‌دهد نقشه‌های انگلیس برای ایران می‌گوید ایران نه دولت دارد نه ملت! پیروزی که قدرت دارند و کار از دستشان

صدری پژوهشگر تاریخ معاصر ایران، به این امر اذعان دارد:

«این حکایت سفر رفتن به غرب در میان پادشاهان قاجار به احمدشاه نیز رسید. او نیز مانند پدر و پدر بزرگ خود، سه بار عازم اروپا شد. با این تفاوت که سفر سوم وی، بدون بازگشت بود! این سفرها به ترتیب در سال‌های ۱۳۰۰، ۱۳۰۰ و ۱۳۰۲ صورت گرفت. سفر اول در راستای این بود که وثوق الدوله، شاه را وادار به ایراد بیاناتی در موافقت با قرار داد ۱۹۱۹ کند که خود باعث وبانی آن بود. در جریان این سفر و در پاریس، دولت فرانسه مخالفت خود را با قرارداد وثوق ابراز داشت و به شاه اطمینان داد که در برابر مخالفتش با قرارداد از او حمایت می‌کنند. البته احمدشاه در لندن حاضر نشد سخنی از قرارداد به میان آورد و با تهدید انگلیسی‌ها در ارتباط با سقوط سلسله قاجار مواجه شد. در جریان همین سفرها بود که رضاخان توانست قدرت را در ایران به دست گیرد. شاه جوان اقامت در غرب را بر سلطنت در ایران ترجیح می‌داد و البته اوضاع اقتصادی ایران همچون دوران پدر و جدش ملتب بود. عوامل رضاخان در شهرهای مختلف چنین تبلیغ می‌کردند که شاه جوان علاقه‌ای به ایراد ندارد و در به دنبال عیاشی در فرنگ است! انگلیسی‌ها هم ضمن مبالغه در اوضاع آشفته ایران پیش شاه اصرار بر ماندن وی در لندن کردند تا رضاخان امنیت را به کشور برگرداند و اینگونه زمینه سرنگونی قاجارها فراهم شد…»

■ **مخالف شاخص و پراقتدار «تحت‌الحمایگی»**

در ختام مقال، ضروری می‌نماید که از مخالف شاخص و پراقتدار قرارداد ۱۹۱۹، یعنی شهید آیت‌الله سیدحسن مدرس سخن رود. او که در ادواری مهم از تاریخ معاصر ایران، مانند سدی در برابر استعمار انگلستان عمل کرد و نهایتاً جان بر سر این مقاومت نهاد. حیث این پایمردی را حمیدرضا

ملک محمدی پژوهشگر تاریخ معاصر ایران، به ترتیب یی آمده باز گفته است:

«فرازهای برجسته زندگانی مدرس، الگوی کاملی از یک رجل سیاسی مسلمان، متعهد و آزاده است. از جمله ویژگی‌های او، دشمن شناسی عمیق و روحیه مقاومت و ایستادگی وی در برابر بیگانگان است. سیدابوالحسن حائری‌زاده از نماینده‌گان مجلس شورای ملی، در بز گذشت مدرس می‌گوید موقعی با انگلستان دست و پنجه نرم کرد که انگلستان فرمانفرمای جهان بود و امریکا و اتحاد جماهیر شوروی، دخالتی در سیاست جهان نداشتند. در آن روز با قرارداد ۱۹۱۹ مخالفت کردند، کار آسانی نبود. سیدبزرگوار مخالفت کرد، موقوف شد و گرفتار انقزام انگلستان گردید… به واقع مدرس رهبر مخالفان قرارداد ۱۹۱۹ بود که این قرارداد تمام در مقابل آن ایستاد. او در سخنانی درباره مخالفتش با این قرارداد می‌گوید یی هم امدن پیش من و می‌گفتند این قرارداد کجایش بد است؟ کدام یک از موادش بد است؟ کدام یک هر کجایش بد است؟ می‌گفتند که ذکر کنید تا برویم اصلاحش کنیم؟ من جواب دادم من رجل سیاسی نیستم، اما آن چیزی که استنباط می‌باشد که می‌گوید ما انگلیسی‌ها استقلال ایران را به رسمیت می‌شناسیم! این مثل این است که یکی بیاید و به ما بگوید سید، من سیادت تو را به رسمیت می‌شناسم… مدرس در جای دیگر، نگاه عمیق خود به قراردادها و معاهده‌های استعماری که بیگانگان تنظیم کرده‌اند، بیان می‌کند. او درباره قرارداد ۱۹۱۹ تصریح می‌کند: این قرارداد می‌خواهد استقلال مالی و نظامی ما را از دستمان بگیرد، چون اگر بنا باشد ایران مستقل بماند، هر چیزش باید دست ایرانی باشد، حاشی، مالش، حیثیتش، چاهش، چاهش، همه چیزش باید دست ایرانی باشد، اما این قرارداد یک دولت خارجی را در بر می‌آورد، این قرارداد ما شریک می‌کرد در پولش و قوه نظامی اش… مدرس که نظریه ابداعی توازن عدمی را در سیاست خارجی مطرح می‌کرد، از این گذرگاه در مقابل دولت‌های بیگانه استعماری نیز ایستادگی نشان می‌داد. به طوری که می‌توان تلقی مدرس در برابر اولتیماتوم روس در جنگ جهانی اول را یکی از شاهکارهای او در آن برهه حساس دانست. ملکشعرا ی بهار که خود از نهضت‌گان مجلس بود، فضای سیاسی آن دوره کشور را به خوبی شرح می‌دهد. او در کتاب تاریخ احزاب سیاسی می‌نویسد: یک عده قزویں به قصد تهران حرکت کردند. احمد شاه تصمیم گرفت به اصفهان برود. رجال دولت حکومت همه بلاتکلیف، کابینه از مجلس اختیار تمام می‌خواهد که تسلیم خواسته‌های دولت روسیه شود و هزینه‌های متجاوزین را قبول کند. در این زمان مجلس شورای ملی تشکیل می‌شود. نمایندگان آن آماده ولسی بلاتکلیف مانده‌اند. در این موقع مدرس در میان بهت و حیرت حاضران از جایی برمی‌خیزد. مجلس در تماشاجی است. وحشت و اضطراب تمام شهر را فرا گرفته. مدرس تلقی مختصر با آرمش کامل و کلمات شمرده

می‌نماید و می‌گوید آقایان! اگر مشیت امور بر این قرار گرفته باشد که آزادی و استقلال ما به زور از ما سلب شود، سزاوار نیست ما خودمان به دست خود آن را امضا کنیم! آنگاه با فریاد می‌گوید نه ما هرگز تسلیم نمی‌شویم! ما مقاومت می‌کنیم و دانسته‌اند. با این همه به نظر می‌رسد که اهمیت او آورده این عهدنامه برای انگلستان تا بدان حد بود که این دولت در پرداخت رشوه به شاه ایران خست به خرج ندهد. جمع‌بندی‌ها نشان می‌دهد که نامبرده، شخصاً به عواقب ناگوار این قرارداد برای کشور آگاه بوده است. چنانکه احمدرضا

۱۹۱۹، روایات و تحلیل‌هایی گوناگون در دست است. برخی شاه قاجار را موافق و عده‌ای به دلیل عدم دریافت رشوه یا مبلغ ناکافی آن، مخالف معاهده دانسته‌اند. با این همه به نظر می‌رسد که اهمیت او آورده این عهدنامه برای انگلستان تا بدان حد بود که این دولت در پرداخت رشوه به شاه ایران خست به خرج ندهد. جمع‌بندی‌ها نشان می‌دهد که نامبرده، شخصاً به عواقب ناگوار این قرارداد برای کشور آگاه بوده است. چنانکه احمدرضا